

سورة الفاتحة



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع:

موارد عدول از دادرسی عادلانه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر گلدوست

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر کوشا

نگارش:

جلال بیگ زاده

دفتر اسناد و آرکائیو
تسبیح
۱۳۸۸/۱۲/۲

خرداد ماه ۸۸

تقدیم به:

همسرم به پاس زحماتش

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر ویژه از ارشادات کریمانه ی جناب آقای دکتر
گلدوست استاد راهنمای گرامیم و جناب آقای دکتر کوشا استاد
گرانقدر مشاورم.

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

نام خانوادگی: بیگ زاده	نام: جلال
سال ورود: ۱۳۸۵	رشته تحصیلی: حقوق جزا و جرم‌شناسی
نام استاد راهنما: دکتر رجب گلدوست جویباری	تاریخ فراغت از تحصیل: ۱۳۸۸/۳/۳۱
عنوان پایان نامه: موارد عدول از دادرسی عادلانه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی	

چکیده

تحقق رویای رسیدگی عادلانه به ویژه در رسیدگی های کیفری، به گونه ای که تامین کننده حقوق اصحاب دعوی باشد، آرزوی هر دوستدار عدالت بوده است. بر همین اساس در طول تاریخ بشر تلاش های گسترده ای برای تحقق دادرسی عادلانه شده است.

دادرسی عادلانه و رفتار منصفانه به معنای ارفاق غیر منطقی به متهم و بزه دیده نیست، بلکه بدین معناست که جامعه به این حد از عقلانیت رسیده است که پاسدار حقوق طرفین دعوی باشد. بنابراین، هرگونه نادیده گرفتن حقوق اصحاب دعوی، در پرتو الزامات و اصول اخیر حقوق بشر، ممکن است منجر به عدول یا نقض دادرسی عادلانه گردد.

حکومت به هیچ وجه حق ندارد، با دستاویز قراردادن بهانه هایی چون: امنیتی بودن برخی جرایم، مشارکت دادن مردم در رسیدگی های کیفری، سازمان یافتگی و جهان شمولی پاره ای از جرایم و ... از اصول و مقررات دادرسی عادلانه عدول نماید، زیرا که امروزه اصول و قواعد حاکم بر دادرسی عادلانه از جمله قواعد آمرانه محسوب می شود، که عدول از آن به هیچ وجه جایز نیست. ضرورت اجرای اصول و قواعد دادرسی عادلانه، نه تنها در قوانین کیفری مهم به نظر می رسد، بلکه توجه به آن در رسیدگی سایر مراجع اعم از قضایی و اداری اجتناب ناپذیر است. همچنین بر اساس الزامات اخیر حقوق بشر، این اصول وقواعد باید در قوانین کیفری و اسناد بین المللی مورد توجه قرار گیرد.

قانونگذار ایران، در رسیدگی کیفری اعم از مرحله تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و محاکمه و اجرای حکم با وضع برخی از قوانین، برخی از اصول و قواعد دادرسی عادلانه را نقض نموده است. به عنوان مثال، می توان اشاره کرد، که حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی نه تنها باید با اجازه مقام قضایی باشد، در مرحله محاکمه نیز، قاضی می تواند به دلیل مصلحت و جلوگیری از فساد از حضور وکیل مدافع جلوگیری نماید. همچنین در برخی از موارد، مقنن از اصل قانونی و صلاحیت دادگاه ها مقرر در اصل ۲۶

قانون اساسی ایران عدول نموده است، و امر رسیدگی و مجازات را به نهادهای شبه قضایی به نام شورای حل اختلاف واگذار نموده است.

اعمال ماده ۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص محاکمه و مجازات مجدد متهم در تعارض آشکار با اصول و قواعد حاکم بر دادرسی عادلانه می باشد. در همین راستا، برخی از کنوانسیون های بین المللی با وضع برخی از مقررات اصل برائت را نقض نموده اند، در قانون مجازات اسلامی نیز در مواردی همچون ماده ۳۳۸، اماره مجرمیت بر اصل برائت غلبه نموده است، که این مقررات آشکارا عدول از دادرسی عادلانه محسوب می شود. در خصوص عدول از اصول دادرسی عادلانه در آیین رسیدگی نیز می توان به کنوانسیون های بین المللی اشاره نمود. برخی محاکم همچون محاکم توکیو و نورنبرگ با یک مرحله ای برگزار کردن رسیدگی، از اصول مذکور عدول نموده اند. در قوانین داخلی نیز، در خصوص پاره ای از جرایم همچون مرتکبان جرایم مواد مخدر از اصول دادرسی عادلانه عدول شده است، که شایسته تجدید نظر مقنن در این حیطة از حقوق می باشد.

قوانین کیفری ایران با توجه به کنوانسیون های بین المللی در خصوص برگزاری دادرسی عادلانه با چالش هایی روبروست، زیرا برخی از قوانین ایران در تعارض آشکار با حقوق طرفین دعوی می باشد. این در حالی است که قاعده تساوی سلاح ها چنین شیوه ای را محکوم می کند.

حقوق بزه دیده که یکی از طرفین دعوی کیفری است، جز در تعداد کمی از کنوانسیون های بین المللی و برخی از قوانین داخلی ایران، مورد توجه شایسته قرار نگرفته است، که این امر برخلاف دادرسی عادلانه به معنی اعم، و برخلاف رفتار منصفانه به معنی اخص می باشد.

الزامات اخیر حقوق بشر هر گونه اشتباه و نادیده گرفتن حقوق اصحاب دعوی را به شدت محکوم می کند. با این وجود، اشتباه در امور قضایی به دلیل ویژگی ادله اثبات دعوی و علم ناقص بشر امری اجتناب ناپذیر است، هر چند جبران خسارت در این موارد نمیتواند حقوق طرفین را به وضع سابق بازگرداند، اما تاحدودی می تواند التیام بخش بی عدالتی صورت گرفته باشد. متأسفانه قوانین موجود در زمینه جبران خسارت ناشی از نقض اصول دادرسی عادلانه مبهم است به گونه ای که عملاً امکان تحقق آن هم در اسناد بین المللی و هم در حقوق کیفری ایران، بعید است. لذا این حیطة از حقوق کیفری نیازمند تجدید نظر و بازنگری است.

واژگان کلیدی:

۱- دادرسی عادلانه ۲- انصاف ۳- عدول اصول دادرسی ۴- کنوانسیون های بین المللی ۵- حقوق اصحاب دعوی ۶- دادرسی

کیفری

علائم اختصاری

قانون اساسی	ق.ا
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون آیین دادرسی کیفری سابق	ق.آ.د.ک.س
قانون آیین دادرسی کیفری در امور دادگاههای	ق.آ.د.ک.ع.ا
عمومی و انقلاب	
قانون مدنی	ق.م
قانون تجارت	ق.ت
قانون مربوط به تشکیل دادگاههای اطفال	ق.م.ب.ت.د.ا
قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م

فهرست مطالب

مقدمه

صفحه

- ۱
- ۱۲ **بخش اول : موارد عدول از دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی**
- ۱۳ فصل اول : عدول از اصل قانونی و صالح بودن مرجع رسیدگی کننده
- ۱۳ گفتار اول : قانونی و صالح بودن مراجع رسیدگی قبل از محاکمه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی
- ۱۳ مبحث اول : قانونی و صالح بودن مرجع کیفری در حقوق ایران
- ۱۹ مبحث دوم : قانونی و صالح بودن مرجع کیفری در کنوانسیونهای بین المللی
- ۲۴ گفتار دوم : اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی و ویژگیهای آن
- ۲۵ مبحث اول : اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی
- ۲۵ ۱- بی طرفی قاضی تحقیق.
- ۲۹ ۲- استقلال قاضی تحقیق نسبت به دادستان
- ۳۲ ۳- تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی
- ۳۸ مبحث دوم : ویژگی تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی
- ۳۸ ۱- غیر علنی و سری بودن تحقیقات مقدماتی
- ۴۳ ۲- کتبی بودن تحقیقات
- ۴۶ ۳- غیر ترافیعی بودن تحقیقات

- ۴- حفظ راز شغلی ۵۰
- فصل دوم : حقوق اصحاب دعوی در مرحله تحقیقات مقدماتی ۵۲
- گفتار اول : حقوق متهم قبل از محاکمه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی ۵۳
- مبحث اول : حقوق متهم در حقوق کیفری ایران قبل از محاکمه ۵۳
- ۱- حق آزادی و جلوگیری از بازداشت خودسرانه ۵۳
- ۲- دسترسی فرد متهم به اطلاعات پرونده و حق حضور وکیل مدافع وی ۵۹
- ۳- بی اعتباری اقرار مبتنی بر شکنجه ۶۵
- مبحث دوم : حقوق متهم در کنوانسیونهای بین المللی قبل از محاکمه ۷۰
- ۱- حق آزادی و جلوگیری از بازداشت خودسرانه ۷۰
- ۲- دسترسی فرد متهم به اطلاعات پرونده و حق حضور وکیل مدافع وی ۷۴
- ۳- حق دسترسی متهم به محیط خارج از بازداشتگاه ۷۹
- ۴- بی اعتباری اقرار مبتنی بر شکنجه ۸۲
- گفتار دوم : حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی ۸۴
- مبحث اول : حقوق بزه دیده در حقوق کیفری ایران ۸۴
- ۱- اعتراض به تحقیقات و قرارهای صادره ۸۴
- ۲- حق در خواست صدور قرار تأمین خواسته و رعایت تناسب قرار با نوع جرم ۸۷
- ۳- حق اقامه دعوی مجدد پس از صدور قرار منع تعقیب دعوی ۹۲
- ۴- تضمین امنیت بزه دیده و خانواده وی پس از اقامه دعوی در مقابل تهدیدات ۹۵

احتمالی و انتقام جوئی

- ۹۸ مبحث دوم : حقوق بزه دیده در کنوانسیونهای بین المللی قبل از محاکمه
- ۹۸ ۱- حق اعتراض به تحقیقات و قرارهای صادره
- ۱۰۰ ۲- حق در خواست صدور قرار تأمین خواسته و تناسب بین قرار صادره با نوع جرم
- ۱۰۳ ۳- حق اقامه دعوی مجدد بعد از صدور قرار منع تعقیب دعوی
- ۱۰۶ ۴- تضمین امنیت شاکی و خانواده وی در اقامه دعوی در مقابل تهدیدات احتمالی و انتقام جوئی

۱۰۸ بخش دوم: موارد عدول از دادرسی عادلانه در مرحله محاکمه و پس از آن

- ۱۱۰ فصل اول : عدول از دادرسی عادلانه در مرحله محاکمه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیونهای بین المللی
- ۱۱۰ گفتار اول : حقوق متهم در مرحله ی محاکمه
- ۱۱۰ مبحث اول : حقوق متهم در مرحله محاکمه در حقوق ایران
- ۱۱۰ ۱- تفهیم اتهام و حقوق ناشی از آن
- ۱۱۶ ۲- فرض بی گناهی متهم
- ۱۱۹ ۳- منع محاکمه و مجازات مجدد
- ۱۲۳ مبحث دوم : حقوق متهم در مرحله محاکمه در کنوانسیونهای بین المللی
- ۱۲۳ ۱- تفهیم اتهام و حقوق ناشی از آن
- ۱۲۶ ۲- فرض بی گناهی متهم
- ۱۳۰ ۳- منع محاکمه و مجازات مجدد

- ۱۳۵ گفتار دوم : حقوق بزه دیده در مرحله محاکمه
- ۱۳۵ مبحث اول : حقوق بزه دیده در مرحله محاکمه در حقوق ایران
- ۱۳۵ ۱- حق داشتن وکیل مدافع
- ۱۳۸ ۲- حق حضور بزه دیده در جلسه رسیدگی
- ۱۴۱ ۳- حق برخورداری از فوریت های پزشکی ، روان شناختی واجتماعی
- ۱۴۵ مبحث دوم : حقوق بزه دیده در مرحله محاکمه در کنوانسیونهای بین المللی
- ۱۴۵ ۱- حق داشتن وکیل مدافع
- ۱۴۸ ۲- حق حضور بزه دیده در جلسه رسیدگی
- ۱۵۱ ۳- حق برخورداری از فوریت های پزشکی ، روان شناختی واجتماعی
- ۱۵۴ فصل دوم : عدول از دادرسی عادلانه پس از محاکمه
- ۱۵۵ گفتار اول : عدول از دادرسی عادلانه پس از محاکمه در حقوق کیفری ایران
- ۱۵۵ مبحث اول : توصیف آراء صادره
- ۱۵۵ ۱- رأی حضور
- ۱۵۹ ۲- رأی غیابی
- ۱۶۳ مبحث دوم : تجدید نظر خواهی از رأی صادره
- ۱۶۳ ۱- حق تجدید نظر خواهی
- ۱۶۶ ۲- مرجع تجدید نظر خواهی
- ۱۷۰ ۳- تجدید نظر خواهی ماهوی وشکلی
- ۱۷۴ گفتار دوم : عدول از دادرسی عادلانه پس از محاکمه در کنوانسیونهای بین المللی

۱۷۵	مبحث اول : توصیف آراء صادره
۱۷۵	۱- رأی حضوری
۱۷۷	۲- رأی غیابی
۱۷۹	مبحث دوم : تجدید نظر خواهی از رأی صادره
۱۷۹	۱- اسحق تجدید نظر خواهی
۱۸۳	۲- مرجع تجدید نظر خواهی
۱۸۶	۳- تجدید نظر خواهی ماهوی و شکلی
۱۸۹	گفتار سوم : ضمانت اجرای عدول از دادرسی عادلانه و جبران خسارت ناشی از آن
۱۸۹	مبحث اول : جبران خسارت ناشی از عدول از دادرسی عادلانه در حقوق کیفری ایران
	مبحث دوم : جبران خسارت ناشی از عدول از دادرسی عادلانه در کنوانسیونهای بین
۱۹۳	المللی
۱۹۹	نتیجه گیری و پیشنهادات
۲۰۴	منابع و مأخذ

انسان به حکم اجتماعی بودن موجودیتش نیازمند زندگی در اجتماع می باشد. زندگی در اجتماع نیز با توجه بر مقتضیات حاکم بر آن با یک سلسله حقوق و تکالیفی برای اعضاء آن همراه است. جامعه حق دارد از تک تک افراد خود بخواهد مجموعه بایدها و نبایدهای جاری و ساری آن جامعه را رعایت نمایند، در مقابل جامعه در مقابل همین افراد مکلف است تامین کننده نیازهای مادی و معنوی ایشان باشد.

البته وضع حاکم بر جامعه همیشه با این نظم و نسق نمی باشد و عده ای از افراد جامعه به لحاظ اینکه قواعد و مقررات را بر خلاف مصالح خود می دانند یا مصالح خود را جدای از حقوق سایر افراد جامعه جستجو می کنند دست به نقض هنجارهای پذیرفته شده جامعه می زنند و این جامعه است که حق واکنش و اعمال مجازات را برای خود در این موارد محفوظ می داند.

واقعیت این است که جامعه حق ندارد با نادیده گرفتن اصول مسلم حقوق بشر هر طوری که خواهان اراده ی اوست دست به مجازات خاطمی بزند، بلکه در این رهگذر برخلاف دوران قدیم که هیچ ضابطه ای برای اعمال مجازات رفتار حاکمان وجود نداشت، امروزه توجه به الزامات حقوق بشری و رعایت کرامت و شان انسان از چنان جایگاهی برخوردار است که بایستی اعمال هر مقرره ای از سوی دولتمردان تحت ضابطه و قواعد ویژه ای باشد. وضع قوانین، خصوصاً قوانین کیفری اعم از مقررات شکلی و ماهوی در هر جامعه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که قوانین کیفری حافظ عالی ترین مصالح نوع بشر است و چنانچه اعمال این قواعد رجام گسیخته صورت گیرد نشانی از عدالت و نظم اجتماعی در جامعه نمی توان یافت. البته اعمال قواعد و نحوه تقنین مقررات در خصوص رعایت حقوق طرفین دعوای کیفری بسته به نوع حکومتها و جریانات فکری

حاکم بر رسیدگیهای کیفری در هر جامعه ای باشد و با شدت و ضعف هایی روبه رو است که از دوران دادگستری عمومی آغاز و تا بحال ادامه دارد.

با توجه به مطالب فوق آنچه که بیش از همه می تواند در تعیین حدود آزادی ها و حقوق قانونی افراد جامعه نقش اساسی ایفا نماید رعایت قوانین کیفری، خصوصاً مقررات حقوق کیفری شکلی که موضوعش تعقیب، تحقیق، رسیدگی و اجرای مجازات بر فرد بزه کار می باشد از جایگاه ویژه ای برخوردار است، پس اجرای عدالت کیفری در معنای خاص آن، نه در اجرای قوانین ماهوی کیفری بلکه در اجرای قوانین شکلی کیفری بایستی جستجو شود؛ چرا که برای اعمال ماده ای از مواد قانون جزا و محکوم نمودن شهروندی به اتهام ارتکاب جرایم موضوع آن گاهی ملزم به رعایت و اعمال صدها ماده از قانون دادرسی کیفری هستیم. ضرورت اجرای عدالت اقتضا دارد که قانونگذار توجه ویژه به قوانین دادرسی کیفری مبذول دارد تا شائبه ی تعصبات جانبدارانه بر هیچ محکمه ای سایه نیفکند.

امروزه توسل به اوردالی یا داوری ایزدی برای اثبات بی گناهی متهمی که دلیلی بر بزهکاری وی موجود نمی باشد امری مذموم و ناپسند محسوب می گردد. اقرار مبتنی بر شکنجه، شهادت و اقرار علیه خود تحت تاثیر سوالات اغفال کننده و تلقینی دیگر جایگاهی در رسیدگی های کیفری ندارد. امروزه دیگر تاکید بر اصل قانونی بودن جرم، مجازات و رسیدگی ها به شدت سابق نمی باشد؛ چرا که این موارد اصولی بدیهی و موافق طبع هر انسان عادل و منصفی است، بلکه امروزه به اصل کیفی بودن قوانین جزایی به معنی الاعم که مخالف قابل تفسیر و کشدار بودن قوانین مربوط می باشد تاکید می گردد. عده ای بر این باورند که حق داشتن دادرسی عادلانه حاصل تلاشهای فلاسفه و حقوقدانان در نیم قرن اخیر است ولی واقعیت آن است که این حق و لزوم اعمال آن عمری به درازای ارتکاب جرم و اعمال مجازات دارد ولیکن اعمال آن تا چند دهه ی اخیر با

محدودیت‌هایی مواجه بوده است؛ چرا که این حق منطبق با فطرت و سرشت آدمی و مبتنی بر عقل و خرد است که ادیان الهی نیز آدمیان را به اعمال آن توصیه نموده اند.

رعایت حقوق و آزادی های مشروع افراد بشر از چنان جایگاه رفیعی برخوردار می باشد که در کشورهای که به نوعی دغدغه ی خاطر حفظ حقوق شهروندی در آنها جریان دارد حداقل مفاد چند اصل یا ماده از اصول قانون اساسی یا قوانین عادی آن کشورها به این مهم اختصاص داده شده است.

بنابر اصل افعال کنشگران یک جامعه مباح تلقی می گردد، مگر اینکه قوانین از پیش وضع شده فعل یا ترک فعلی را ناقض مصالح آن جامعه تشخیص داده و برای آن مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی در نظر گرفته باشند که در آن صورت تخطی از آن اوامر و نواهی با ضمانت اجراهای مشخصی همراه گردیده است.

سوالی که اکنون مطرح می گردد این است که چنانچه احدی از کنشگران جامعه از قانون جزای ماهوی تخطی نماید نحوه ی رسیدگی به اتهام او و نهایتاً اعمال مجازات بروی آنطوریکه منجر به فراموشی و بی اعتنایی وی نگردد وظیفه ی چه قانون و مقرراتی است؟ خصوصاً اینکه نحوه ی اعمال آن بایستی چگونه باشد.

تمامی این موارد را باید در اهمیت توجه به دادرسی های کیفری که حقوق اصحاب دعوا در آن رعایت گردیده باشد جستجو نمود؛ چرا که دادرسی عادلانه و اعمال آن به معنای ارفاق غیر منطقی به متهم و نفی مجازات از او نمی باشد بلکه دادرسی عادلانه به این معناست که جامعه به آن حد از عقلانیت رسیده است که در برخورد با اطراف دعوی انسانیت و کرامت آنها را به ورطه ی فراموشی نسپارد و بی دلیل حقوق بنیادین متهم در رسیدگی های کیفری چه در مرحله ی تحقیقات مقدماتی و چه در دوران محاکمه با نگارش الفاظی مبهم و قابل تفسیر با تزییقاتی همراه نگردد.

اصل صلاحیت محاکم کیفری در رسیدگی به جرایم و همچنین لزوم قانونی بودن آن مراجع هم در ق.ا و هم در قوانین عادی کشورمان مورد توجه قرار گرفته است. معلوم نیست قانون گذار بنا بر چه مصالحی امر رسیدگی به امور کیفری را به نهادهای شبه قضایی آن هم با تصویب آیین نامه ای واگذار می نماید؟

یک مرحله ای بودن بعضی از رسیدگی های کیفری از مواردی است که نقض شدید حقوق متهم در خصوص تجدید نظر از حکم صادره علیه وی را نمایان می نماید. قانونگذار نمی تواند با توجه به مضرات ارتکاب پاره ای از جرایم از اصول آمره ی دادرسی تخطی نماید چنانکه در مورد مرتکبین جرایم مواد مخدر حقوق آنان با تزییقاتی در این خصوص همراه است.

قانونگذار نایستی به دلایلی از جمله ضعف دستگاه متولی کشف جرم و ... اصل برائت را نادیده گرفته و دست به وضع قاعده برخلاف اصول دادرسی زند؛ چرا که بار اثبات دعوا بایستی بر عهده ی دادستان باشد نه متهم.

واقعیت این است که سیستم دادرسی کیفری ایران چه در مرحله ی تحقیقات مقدماتی و چه در دوران محاکمه و پس از آن گهگاه از قواعد دادرسی عادلانه عدول نموده است؛ چرا که در تحقیقات مقدماتی و در پاره ای از جرایم حضور وکیل مدافع به عنوان بدیهی ترین حق متهم منوط به موافقت مرجع رسیدگی کننده و وجود مصلحت می باشد که ضابطه ای است گذدار و قابل تفسیر، همچنین محاکمه ی مجدد متهم و حاکمیت اماره ی مجرمیت در ق.م.ا که همگی به موارد عدول از دادرسی عادلانه اشاره دارد از سوی قانونگذار با بی تفاوتی وضع قاعده گردیده است همچنین پاره ای از کنوانسیونهای بین المللی همچون کنوانسیون مبارزه با فساد «پالمو» و کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته «مریدا» با توجه به سازمان یافتگی جرایم موضوع آنها و جهان شمول بودن آن جرایم از دادرسی عادلانه فاصله گرفته و اماره ی مجرمیت را غالب کرده اند

و بعضی همچون اساسنامه به دادگاه کیفری بین المللی در خصوص احتساب مجازات انجام گرفته و اعمال قاعده منع مجدد محاکمه و مجازات مضاف مبهم به نظر می رسد، البته نمی توان انکار نمود که کنوانسیونهای بین المللی در مقایسه با قوانین دادرسی کیفری ما به لحاظ حفظ حقوق طرفین دعوی و ضرورت برگزاری دادرسی عادلانه قابل مقایسه نمی باشند هر چند که قوانین کیفری ما تا حدی کوشیده است تا خود را با آن اسناد منطبق نماید ولی واقعیت این است که تا انطباق کامل هنوز فاصله بسیار است.

نهایت آنکه امنیتی بودن بعضی از جرایم، سازمان یافتگی و تهدیدات ناشی از آن و بهانه مشارکت دادن مردم در رسیدگی های کیفری نباید دست آویزی قرار گیرد تا از اصول دادرسی های کیفری چه در قانون دادرسی کیفری ایران و چه در اسناد بین المللی عدول گردد که بعضاً موارد عدول از آن البته در حقوق ایران کم نمی باشد؛ چرا که اهمیت دادرسی عادلانه در رسیدگی های کیفری تا آنجاست که بیش از یک سوم اسناد بین المللی حقوق بشری با رشته ی حقوق کیفری ارتباط مستقیم دارد و بیش از نیمی از مفاد «منشور بین المللی حقوق بشر» مربوط به بزه، بزه کار، بزه دیده و کیفر از منظر جرم شناسی و حقوق کیفری تعلق دارد.

همچنین در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موازین و پیشگیری عادلانه از جرم بر وزن «دادرسی عادلانه» پیش بینی شده است.

نهایت آنکه نیمه دوم قرن بیستم را می توان اوج توجه به حقوق بشر و اعمال اصول آن حقوق در رسیدگیهای کیفری دانست که تضمین دادرسی عادلانه و رعایت معیارهای پذیرفته شده را در سطوح ملی و فراملی با اقبال رو به رو کرده است. دیگر بی توجهی به احکام دادگاههای خارج از کشور با توجه به کنوانسیون های بین المللی و اعمال مجازات مجدد بر متهم به حکایت ماده ۷ ق.م.ا، عدم مداخله وکیل مدافع متهم در رسیدگیهای کیفری خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی،

انقلاب اماره مجرمیت در رسیدگیهای کیفری در پاره ای از مواد قانون مجازات اسلامی، یک مرحله ای بودن پاره ای از رسیدگیها همچون جرایم قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و محول نمودن رسیدگی های کیفری به نهادهای شبه قضایی همچون شوراهای حل اختلاف و سازمان تعزیرات حکومتی و ... با توجه به اسناد اخیر حقوق بشری در رسیدگیهای کیفری جایگاهی ندارد.

به هر حال قوانین دادرسی کیفری که بدنه ی دادرسی عادلانه را به لحاظ حفظ مصالح حقوق بشری تشکیل می دهند نمادی از توجه دستگاه عدالت کیفری به حقوق طرفین دعوای کیفری و وضع قوانین موجود در این خصوص می باشند.

دادرسی عادلانه در واقع زیر بنای مباحث قانون دادرسی کیفری است که دولتها از رهگذر آن سعی می کنند میان نظم عمومی و حقوق شهروندان تعادل برقرار کنند.

هر چند تحقق دادرسی عادلانه در رسیدگیهای کیفری همیشه رویای عدالت خواهان بوده است اما اصطلاح دادرسی عادلانه نخستین بار پس از اجرای مفاد پرو تکل یازدهم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین در سال ۱۹۹۸ که در مقام عنوان گذاری مواد کنوانسیون بود برای عنوان بندی ماده ی ۶ به کار برده شد. به هر حال مراد از رسیدگی عادلانه تضمین حقوق دفاعی متهم به ویژه در برابر دادستان، برابری سلاحها یا تساوی حقوق اطراف دعوا، ترافعی بودن دادرسی و در نهایت رعایت کرامت انسانی فرد متهم و مجرم است که بایستی توسط ضابطان، دادرسان، دادگاه و متولیان اجرای احکام رعایت گردد.

محاکمه یا دادرسی عادلانه امروزه یکی از ارکان مهم دولت مهم قانون مدار است که در فارسی به « حسن حکومت داری»^۱ ترجمه می شود که ضابطان قضایی و دادگاههای دادگستری به آن در پرتو

1- good governance

قانون جان می بخشند که البته اعمال قواعد آن نیاز به بستر دمکراتیک و دولت قانون مدار دارد که در آن حاکمیت قدرت خود را فرا قانون تلقی نکند. بدین سان دولتهای که خصایص مردم سالاری و «به زمام داری» در آنها حکومت ندارد صحبت از دادرسی عادلانه بر مبنای حکومت قانون برای آنان معنا و مفهومی ندارد.

آنچه که واقعیت دارد و می تواند باعث فرهنگ سازی گردد آن است که بخشی از فرآیند فرهنگ سازی در جامعه از بالا به پایین صورت می گیرد یعنی؛ حکمرانان و واضعان قانون خود تا حد بسیار زیادی به عنوان الگوی رفتاری مردم، کردار و گفتار شهروندان را تا اندازه ای شکل می بخشند. هر قدر صاحبان قدرت در رفتار و بیان خود خشونت مدار و قانون شکن باشند روابط اجتماعی نیز ناخودآگاه به سمت خشونت هدایت شده و خشونت ارزش می شود و به لحاظ اینکه حقوق کیفری ارتباطی تنگاتنگ با جنبه حاکمیتی دولتها دارد پس در حقوق کیفری می توان نحوه فکری حکومت گران را دید.^۱

دادرسی عادلانه از آنچنان اهمیتی برخوردار است که رعایت آن علاوه بر رسیدگیهای کیفری در رسیدگیهای سایر مراجع نیز لازم الرعایه است. بر این اساس دادگاه اروپایی حقوق بشر رعایت تشریفات دادرسی عادلانه را به موضوعات در حکم کیفری نیز تعمیم داده است که به مراتب قلمروی وسیع تر از حقوق کیفری محض دارند.

به هر حال دادرسی عادلانه به معنای عام و رفتار منصفانه به معنای خاص به ترتیب در خصوص حقوق متهم و بزه دیده ایجاب می نماید که دادرسی با در نظر گرفتن کلیت آن منصفانه بنظر برسد یعنی؛ تساوی سلاحها ایجاب می نماید طرفین از حقوق مشابهی در دادرسی برخوردار باشند و هر یک از طرفین بایستی امکان منطقی طرح موضوعات خود را به ترتیبی که او را در وضعیت مناسب

۱- مصاحبه با دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، استاد دانشگاه شهید بهشتی، کمیته پژوهش حقوق شهروندی قوه قضائیه، بی تا، ص ۸

تری نسبت به رقیب خود قرار ندهد، داشته باشد.^۱

بنابراین چنانچه یکی از طرفین بی جهت در وضعیت مناسب تری برای ارائه دفاعیات خود قرار گیرد یا قانونگذار بی جهت برای وی امتیاز ویژه ای در نظر گیرد یا حقوق وی را محدود کند چنانچه روند دادرسی با این امتیاز منحرف گردد می توان گفت از دادرسی عادلانه عدول گردیده است.

با توجه به مطالب قبلی نباید تصور نمود که صرفاً در رسیدگیهای کیفری، قانونگذار و به تبع آن محاکم قضایی بایستی به برگزاری دادرسی عادلانه توجه داشته باشند؛ چرا که همانطوریکه قبلاً اشاره گردید تعمیم قواعد ناظر بر دادرسی عادلانه بر مسائل غیر کیفری نیز تسری داده شده است. مثلاً آیا در رسیدگی به تخلفات اداری که خود اداره متبوع کارمند دولتی در صورت ارتکاب تخلف کارمند خاطی مبادرت به رسیدگی و تعیین مجازات می نماید اعمال قواعد مربوط به دادرسی عادلانه لازم نیست؟ بی شک جواب منفی است؛ چرا که با توجه به آرای صادره از مراجع حقوق بشری بین المللی اعمال این قواعد در هر رسیدگی با توجه به اصل تناظر بایستی رعایت گردد. حاصل آنکه با توجه به آنچه گفته شد اهمیت حقوق کیفری خصوصاً حقوق کیفری شکلی بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که در سرنوشت و حدود آزادیهای افراد و رعایت حقوق آنها نقش عمده دارد. اما گهگاه دولتمردان به دلایل سیاسی، امنیتی و غیره نسبت به رسیدگیهای کیفری حساسیت بیشتری نشان می دهند و به متهمان به دیده بی اعتمادی می نگرند و از این رهگذر حقوق آنها دستخوش تضییقاتی می گردد.

با توجه به آنچه گذشت موضوع پایان نامه حاضر تحت عنوان «موارد عدول از دادرسی عادلانه در

۱- شمس ، عبدالله ، آیین دادرسی مدنی ، جلد اول ، نشر میزان ، چ ۱۳۸۲ ، ص ۱۲۶